

خیانت به کشور در نظام حقوقی امریکا و کانادا در پرتو آموزه های فقهی

صادق حبیب زاده^۱

عباسعلی اکبری*^۲

دادیار هادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

چکیده

خیانت در لغت به معنای « مکر » و در اسلام به معنای « گناه » بوده و تحت تاثیر « احکام امضائی » وارد دین اسلام شده است. جرم « خیانت به کشور » در امریکا و کانادا، از « قانون خیانت ۲۵ ادوارد سوم انگلستان »، اقتباس شده و مصادیق آن « تحمیل جنگ » و « پای بندی به دشمنان » و ایراد جنایت بر تمامیت جسمانی پادشاه می باشد. وجه اشتراک آموزه های فقهی و نظام حقوقی امریکا و کانادا، نکوهش و تقبیح خیانت و افتراق آن، دامنه وسیع خیانت در آموزه های فقهی نسبت به نظام حقوقی امریکا و کانادا است. در این نوشتار از گذر تطبیق، این یافته بدست آمده است که سرزنش خیانت در اسلام و گناه محسوب شدن آن، نسبت به جرم انگاری خیانت در نظام حقوقی نظام حقوقی کامن لا (امریکا و کانادا)، تقدم زمانی نزدیک به هشت صد ساله دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی خیانت در « آموزه های فقهی » و « نظام حقوقی امریکا و کانادا » به روش تحلیلی و توصیفی است و حدالمقدور سعی شده است، ضمن بررسی انتقادی ارکان تشکیل دهنده جرم خیانت، تاثیر پذیری « نظام حقوقی کامن لا » (امریکا و کانادا) در مقوله « خیانت » از « آموزه های فقهی » و استفاده ابزاری و سیاسی از آن در جامعه امریکا به تصویر کشیده شود.

کلیدواژه‌ها: خیانت، جنگ، مساعدت، وفاداری، بغی

۱- دانشجوی مقطع دکتری تخصصی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،

ایران^{۹۸} sadeghhabibzadeh@gmail.com

۲- استاد یاردانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول)

a.ali-akbari@yahoo.com dr-aa.akbari

۳- استاد یاردانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

gmail.comdadyar@۸۶



مقدمه

از بدو خلقت تاکنون، «خیانت» یکی از مظاهر بی وفایی بوده و در تمامی ادیان و نظامهای حقوقی امری مذموم شمرده شده است، به طوریکه قبل از اسلام نیز، مورد نکوهش قرار می گرفت و به همین علت تحت تاثیر «احکام امضائی» وارد دین مبین اسلام شده است. در قرون وسطی معنای خیانت گسترده بود و همین موضوع مبنائی بر جرم انگاری خیانت به کشور در نظام حقوقی کامن لا من جمله امریکا و کانادا بوده است. علیرغم جرم انگاری «خیانت به کشور» در اکثر نظامهای حقوقی، در برخی از کشورها، تعریف روشنی از خیانت صورت نگرفته است، و به جای آن، از قوانین و مقررات عمومی مشابه استفاده می نمایند. این مقاله در دو محور اصلی ساماندهی شده است، که قسمت اول عبارت است از: بررسی مختصر مقوله «خیانت» از منظر آموزه های فقهی و قسمت دوم و سوم، تحلیل حقوقی «خیانت به کشور» در نظام حقوقی ایالات متحده امریکا و کاناداست که بدو به پیشینه خیانت به کشور اشاره و سپس، «مصادیق «خیانت به کشور» در نظام حقوقی امریکا و ایالات مختلف آن و همچنین کانادا آنالیز گردیده است و متعاقب آن مقوله خیانت به صورت مختصر و از منظر تطبیق مورد بررسی قرار گرفته است.

خیانت در آموزه های فقهی

خیانت یکی از جلوه های بی وفایی، در تمامی ادوار تاریخی، زشت و ناپسند بوده است، و در آموزه های قرآنی و روایی به شدت تقبیح شده است (<https://farhange sadid.cc>). تا جایی که خیانت در حق کافران را نیز روا نمی دانند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹۶). در قبائل جاهلی پیش از اسلام نقض عهد و پیمان قبیلگی، خیانت به شمار می آمد. از همین رو هر گاه یکی از افراد قبیله خیانت می ورزید، پرچمی به نام او در بازار عکاظ بر می افراختند تا مردم او را بشناسند. همچنین اگر کسی به همسایه خود خیانت می کرد در ایام حج ابراهیمی و در منا آتش می افروختند و با فریاد وی را به مردم معرفی می کردند و این آتش را نارالغدر می خواندند (یزدی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۵۹). از لابلای آیه ۵۸ سوره نساء بر می آید که امانات شامل تمام امانتهای مادی و معنوی است و حفظ اسرار و نگهداری رازها از جمله امانت معنوی می باشد (کریمی، بی تا، ۱۳۴، ۱۳۸). به طوری که علاوه بر آیه ۵۸ سوره نساء، آیه ۸ سوره مومنون نیز متضمن این معنی است، و مراد از امانت در این آیات هر چیزی است که شخص را بر آن امین دانسته باشند (کریمی، بی تا: ۵۹). خیانت از ریشه «خون» در لغت به معنای مکر و حیله (معین، ۱۳۸۲، جلد ۱: ۱۴۶۷) و در اصطلاح به معنی خیر خواهی نکردن در مورد امانت و امتناع از ادای حقی است، که ادای آن تضمین شده است. دو واژه دیگر در قرآن کریم به کار رفته است، که به معنای خیانت می باشد. یکی واژه «غل» است، که در آیه ۱۶۱ سوره آل عمران



استعمال شده است، و به معنای «داخل کردن چیزی در چیز دیگر است»، که موجب دگرگونی و تحول در آن می شود (یزدی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۵۹). «یغل» از واژه «غلل» به معنای خیانت گرفته شده و «غلل» در اصل به معنای نفوذ تدریجی آب در ریشه درختان است، از آنجایی که خیانت به صورت مخفیانه و تدریجی صورت می گیرد، به آن «غلل» می گویند (علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۱: ۳۶۷). دومی، واژه «ختار» از آیه ۳۲ «سوره لقمان» است که به معنای «غدر و حيله» است (یزدی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۵۹). خیانت و مشتقات آن در ۱۵ آیه از قرآن مجید، آمده است (www.maarefequran.com). از نظر علامه طباطبایی خیانت به معنای عام عبارت است از، نقض هر حقی که قرار داده شده باشد، چه در عهد و چه در امانت (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). خداوند متعال در آیات متعدد به مقوله خیانت اشاره نموده است، از جمله آن می توان به آیات ۲۷، ۵۸، ۵۹، ۷۰، ۷۱ سوره انفال، آیات ۱۶۱، ۱۶۲ سوره آل عمران، آیات ۱۰۵، ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره نساء، آیات ۱۰، ۳۸ سوره حج، آیه ۱۸۷ سوره بقره، آیات ۲۷، ۲۸، ۵۲ سوره یوسف و آیه ۱۰ سوره مبارکه تحریم اشاره نمود (https://farhange sadid.cc). در آیه ۱۰ سوره مبارکه تحریم، خداوند متعال، در بین کسانی که کافر شده اند، همسر حضرت نوح و لوط (ع) را مثال زده است و می فرماید؛ آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط آنان با پیامبران الهی سودی به حالشان در برابر عذاب الهی نداشت و به آنها گفته شد، در آتش وارد شوید، همراه کسانی که وارد می شوند (سوره تحریم، آیه ۱۰). خیانت زن حضرت نوح (ع) آن بود که همسرش را مجنون می دانست و خیانت همسر حضرت لوط (ع) به دلیل راهنمایی مشرکان بود (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۵) همکاری همسر حضرت لوط و نوح علیهم السلام با دشمنان و انتقال اسرار خانه به آنان «خیانت» تعبیر شده است (https://wikiahlolbait.com). خیانت فرزندان ذکور حضرت یعقوب علیه السلام به برادرزادنی خود حضرت یوسف، مصداقی دیگر از خیانت در «قرآن مجید» می باشد. آیات ۴ و ۵ سوره مبارکه «یوسف» متضمن آگاهی یافتن حضرت یوسف به وعده الهی در خواب و تعبیر حضرت یعقوب دال بر این که این خواب را به برادران بازگو مکن، شاید برای تو حيله ای بیاندیشند، حاکی از احتمال خیانت برادران یوسف در آینده بود. برادران یوسف در اثر حسادت، نقشه نابودی یوسف را طرح ریزی نمودند و از حضرت یعقوب علیه السلام خواستند تا «یوسف» را به همراه آنان به بیابان بفرستد. برادران «یوسف» همداستان شده و «یوسف» را در نهران خانه چاه می اندازند و متعاقب این خیانت، پیراهن خونین حضرت «یوسف» و خبر دریده شدن او به دست گرگ به «یعقوب نبی» می دهند (سوره یوسف، آیات ۴ و ۵). خیانت در غنائم جنگی یکی دیگر از مصداق خیانت می باشد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). به دلالت آیه ۱۶۱ سوره آل عمران، بعضی از تیراندازان جنگ احد می خواستند سنگر خود را



برای جمع آوری غنیمت تخلیه کنند(علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۱: ۳۶۷)، فرمانده مربوطه عبدالله جحش دستور داد از جای خود حرکت نکنید، رسول خدا شما را از غنیمت محروم نخواهید کرد، ولی آن دنیا پرستان گفتند، ما می‌ترسیم، رسول خدا در تقسیم غنائم ما را از نظر دور بدارد، قرآن در پاسخ می‌فرماید، گمان کردید ممکن است، پیامبر به شما خیانت کند، در حالی که ممکن نیست، هیچ پیامبری خیانت کند(علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۱: ۳۶۷). برای اینکه خیانت با مقام نبوت و عصمت انبیاء سازگاری ندارد(یزدی، هاشمی، ۱۳۹۹: ۹). در آیه ۱۰۵ سوره «نساء» خداوند به پیامبر (ص) هشدار می‌دهد از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی. هر چند این سخن علی‌الظاهر خطاب به نبی مکرم اسلام(ص) است، ولی بی‌گمان یک حکم عمومی خطاب به همه قضات و داوران است. برای این که طبق آیه ۱۰۷ همین سوره، خداوند افراد خیانت پیشه گناهکار را دوست ندارد، در آیه ۱۰۸ سوره اخیرالذکر، خداوند خائنان را مورد سرزنش و ملامت قرار داده و می‌فرماید، آنان زشتکاری خود را از مردم پنهان می‌دارند، ولی از خدا پنهان نمی‌دارند(علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۱: ۳۶۷). فراتر از خیانت در غنائم جنگی و صرفنظر از تمایزی که خیانت جنگی با حيله جنگی دارد، تظاهر به قصد مذاکره با دشمن تحت لوای پرچم متارکه جنگ، استفاده نابجا از علائم مشخصه صلیب سرخ خیانت جنگی قلمداد شده و ممنوع می‌باشد، تا جائی که ماده ۳۷ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو، قتل، مجروح یا اسیر کردن یکی از افراد دشمن با توسل به نیرنگ را ممنوع دانسته است(حقیقت پور، ۱۳۹۹: ۴۴-۴۵). اقسام خیانت از منظر قرآن عبارتند از: خیانت به خدا و رسول(سوره انفال، آیه ۸) که از مهم‌ترین اقسام خیانت بوده و می‌تواند موجب کفر مرتکب شود(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۰) امام محمد باقر(ع) خیانت به خدا و رسول را به «نافرمانی» تعبیر کرده است. برخی بر این باور هستند که خیانت به خدا و پیامبر آن است که اسرار نظامی مسلمانان را در اختیار دیگران بگذارند یا دشمنان را در مبارزه علیه مسلمین تقویت کنند(علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۲: ۱۴۳). از مصادیق خیانت به خداوند، می‌توان به شرک و کفر به خداوند، معصیت و نافرمانی در برابر او، نفاق و دورویی، ترک واجبات و انجام محرمات و اصرار بر حب ریاست و دنیا، توطئه‌ها و طرح سخنان غیر مرضی خداوند اشاره نمود(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۱، یزدی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۱۱). از یک منظر خیانت به دیگران را می‌توان به دو نوع بزرگ جامعه و افراد تقسیم کرد. الف) خیانت به جامعه، که مصادیق آن عبارتند از: بدی‌های جامعه را دیدن و خوبی‌های آن را فراموش کردن، جاسوسی و افشا کردن اسرار مسلمین و جامعه اسلامی، احتکار، خیانت به بیت المال، قاچاق کالا (ورود یا خروج غیرقانونی کالا به کشور از طریق مرزها)، (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۲، ۱۳۳). از دیدگاه امیر مومنان نیز بزرگترین خیانت، خیانت به امت و جامعه اسلامی است (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)



ب) خیانت به مردم، که از مصادیق آن می توان، خیانت به یتیمان، خیانت در وفای به عهد و عقد، خیانت در کتمان عیب و عدم امر به معروف و نهی از منکر(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶) و تصرف ناروا در اموال مردم(سوره انفال، آیه ۲۷) و افشای راز آنان(www.maarefequran.com) هتک ناموس(یزدی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۶۰) و نقض عهد و پیمان(سوره یوسف، آیات ۵۱، ۵۲) سرقت و خیانت در مشورت با دیگران امعان نظر نمود،(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) لکن نقض عهد و پیمان شامل پیمانهای است که میان افراد با خدا، یا افراد با یکدیگر و حتی مسلمانان با غیر مسلمانان بسته می شود و تمامی پیمانهای الهی، انسانی، سیاسی، اجتماعی و نظائر اینها را در بر می گیرد(علی بابائی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۵۱۰). یکی دیگر از خیانتها که در زمره خیانت به افراد قرار می گیرد، خیانت بر خود است که به عنوان ظلم بر خویش تعبیر شده است(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). در روز قیامت تمامی اعضاء بدن انسان به سخن در می آیند و اسرار او را که همان خیانت بر خودش می باشد، فاش می کنند، به طوری که آیات ۲۱ و ۲۲ سوره فصلت متضمن این معنی است. این خیانتها عبارتند از: خیانت چشم، خدا چشم هایی را که به خیانت می گردد، می داند و آنچه را سینه ها پنهان می دارد، می داند(آیه ۱۹ سوره غافر) این نگاهها، خیانت آلوده است، خواه به نوامیس مردم باشد یا امور دیگری که نگاه کردن به آن ممنوع است(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). امانت زبان آن است که از دروغگویی، غیبت، سخن چینی، دشنام و دادن نسبت های ناروا به زنان پاکدامن بپرهیزد(آیه ۴ سوره نور، رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۹). رعایت امانت گوش آن است که آن را در امور لهو، آنچه مورد نهی قرار گرفته است و هکذا شنیدن دشنام و دروغها به کار نگیرد(رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). علیرغم گستردگی خیانت در منطق قرآن و آموزه های فقهی، و تاثیر پذیری قوانین ایران از شرع انور و فقه امامیه، قانونگذار ایرانی در حوزه خیانت گام محدودی برداشته و در امر جرم انگاری بصورت مضیق عمل نموده است. خیانت در امانات مادی در مقیاس خرد و کلان در نظام حقوقی ایران به ترتیب منطبق با ماده ۶۷۴ کتاب پنجم(تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و بند ج ماده ۴۷ و بند ب ماده ۱۰۹ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ می باشد و به همین علت است که دکتربین، جرم اختلاس را تحت عنوان صور خاص خیانت در امانت بررسی کرده اند. تاریخ اسلام نیز حاوی مواردی عینی از «خیانت» می باشد. یهودیان از بدو ورود پیامبر(ص) به مدینه، به ظاهر خود را مسلمان می خواندند و با توسل به «توطئه»، «پیمان شکنی» و «کارشکنی» به خصومت با اسلام برخاستند(شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۶۸). که از جمله آن می توان عهد شکنی و توطئه یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه در جریان جنگ خندق(احزاب) در سال پنجم هجری قمری و کمک یهودیان به جبه کفار اشاره نمود،(شهیدی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶). در این راستا و با رویکرد جلوگیری از هر گونه «توطئه» و «فتنه»، پیامبر اسلام(ص) با عقد



پیمان نامه ای یهودیان مدینه را به عدم خیانت و همکاری با مشرکان ملزم نمود (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۳-۶). این اقدام، در واقع، مرحله هشدار دهی بر پایه حکمت و عدالت بود (عاملی، ۱۳۹۱، جلد ۳: ۳۴، ترجمه محمد سپهری). در واقع پیامبر اسلام با این اقدام، در صدد پیشگیری (اقدام کنشی) بود. رویکرد ثانی پیامبر (ص) که متعاقب پیمان شکنی و خیانت یهودیان صورت گرفت، مبتنی بر تبعید، قتل و دریافت نصف محصولات کشاورزی بود (شهیدی، ۱۳۸۴: ۸۰ و ۸۵ و ۸۸ و ۹۲). معادل قید اخیر در نظام کیفری ایران، مصادره بخشی از اموال (نصف محصولات زراعی) می باشد. هیچ یک از توطئه ها و خیانت های مذکور به نتیجه نرسیدند. برای این که عدم موفقیت خائنان در رسیدن به اهداف و مقاصد شان، ناشی از علم و حکمت خداوند می باشد (علی بابائی، ۱۳۸۵، جلد ۲: ۱۶۷). مقوله خیانت در تاریخ اسلام نیز معنا و مفهوم گسترده دارد. از جمله این خیانتها می توان به انشقاق در لشکر امیر مومنان (ع) حسب استتاج باطل از حق در جنگ صفین، خیانت سپاهیان امام حسن (ع) که منجر به تحمیل صلح اجباری بر حضرت شد، اشاره نمود. البته امروزه خیانت از معنا و مفهوم کلاسیک آن فاصله گرفته است و به نقض امانت داری و مصالح عمومی توسط حاکمان و مدیران در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی و فرهنگی تسری یافته است و جلوه های نوینی از خیانت در معنای موسع را تداعی می کند.

خیانت در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

الف) کلیات

خیانت در امریکا، ریشه در «قانون خیانت» (۱۳۵۲-۱۳۵۱) انگلستان دارد (Tracy, 2019, p.3) و در اصطلاح حقوقی «خیانت» عبارتست از؛ نقض «وفاداری» توسط فرد نسبت به «حاکم» و «کشور» یا «توطئه» برای کشتن «حاکم» یا سرنگونی «حاکمیت» (Tracy, 2019, p.4). خائن به فردی اطلاق می شود که تعهدات اعتباری وفاداری به سایر اعضاء جامعه سیاسی خود را زیر پا گذاشته و نقض می کند (Lee, 2012, p.2). خیانت در قوانین جزایی آمریکا چیزی بیش از انعکاس مقررات قانون اساسی آمریکا نیست (Hazard & Stern, p.80). عبارات «تحمیل جنگ» و «پابندی به دشمنان»، از ارکان تشکیل دهنده این جرم بوده و بر علیه همه اعضاء کشور صورت می گیرد (Lee, 2012, p.2). قوانین خیانت عمدتاً به منظور حفاظت از کشورها در برابر «خطرات واقعی» تهدید کننده از بیرون در نظر گرفته شده است (Hazard & Stern, p.85) که این نگرش بیشتر محتوای سیاسی داشته و معطوف به خطرات بالقوه است. در آمریکا یک شخص زمانی «بی وفا» نامیده می شود که برخلاف انتظارات عمومی نتوانسته باشد منافع کشور خود را تامین کند. مکتتایر «میهن پرستی» را نوعی «وفاداری» می داند. شفلر وفاداری را «اولویت دادن به منافع» تلقی



کرده است (Lee, 2012,p.6). خیانت در امریکا مستلزم شناسایی یک «دشمن خارجی» است (fletcher, 1982,p.199) و منظور از دشمن خارجی، کشوری است که تابع اساسی حقوق بین الملل می باشد. در نظام فئودالیت؛ که «دولت» به معنای امروزی وجود نداشت؛ نقض «وفاداری» توسط ارباب یا رعیت وی بر علیه شاه، ممنوع بود (Simpson, 2018,p.6). با توسعه جامعه، مفهوم خیانت از «نقض وفاداری» به پادشاه به «نقض وفاداری» به «دولت» که مفهوم «انتزاعی» دارد، تغییر یافت (Simpson, 2018,p.8). قانون اساسی امریکا در مورد «وفاداری» ساکت است. اما کنگره اول در سال ۱۷۸۹ «خیانت» را نقض «وفاداری» دانست (Carlton & Larson, 2006,p.879). در تداول عامیانه، «وفاداری» یک مفهوم «اعتباری» گسترده دارد. اختلاف نظرها در مورد این که، وفاداری کجا و چگونه به بی وفایی مبدل می شود؟ پاسخ آسانی نخواهد داشت (Emerson & Melfel , 1948,p.36). علیرغم مناقشاتی که در مورد معنای «بی وفایی» وجود دارد؛ واضعان قانون، باز هم از این کلمه، استفاده می کنند. اقداماتی که متضمن «بی وفایی» است؛ عبارتند از: خرابکاری، جاسوسی، خیانت، فتنه، حمایت از انقلاب، اعمال زور یا خشونت برای تغییر شکل حکومت (Emerson & Melfeld, 1948,p.37)، افشای اسناد و اطلاعات «محرمانه» و تلاش در جهت تامین منافع سایر دولت ها (Emerson & Melfeld, 1948,p.38) و عضویت در انجمنها و گروهها (Emerson & Melfeld, 1948,p.38-39).

هرگونه تلاش برای تعیین دقیق تر معیارهای بی وفایی باید با تحلیل خطراتی که دولت از رفتار یا باورهای کارمندان خود در مبارزات سیاسی با آن مواجه می شود، آغاز گردد (Emerson & Melfeld, 1948,p.37) خطراتی که متوجه دولت بوده و باید کنترل شوند، عبارتند از : ۱-افشای غیرمجاز اطلاعات ۲-خرابکاری فیزیکی ۳-مشارکت در توطئه برای تغییر یا براندازی دولت با توسل به روشهای غیرقانونی و خشونت آمیز ۴-تصمیم گیری رسمی، تحت نظارت مستقیم گروه یا یک کشور خارجی ۵-تلاش برای ایجاد تغییر در سیاست های دولت یا در ساختارحکومت، با توسل به طرق خشونت آمیز یا غیرقانونی (Emerson & Melfeld, 1948,p.37) انتقال بی ضررترین اطلاعات توسط کارمندان دولت به عناصر دشمن یا سایر افرادی که احتمال دارد، از طریق آنها به دست دشمن برسد ممکن است به یک منبع خطر بالقوه تبدیل شود (Emerson & Melfeld, 1948,p.49).

گام دوم ممکن است، صیانت از افرادی باشد که به طور ناخواسته، اطلاعات مهمی را بدون قصد آسیب رساندن به امریکا افشاء کنند. «خرابکاری» کارکنان دولت، بمراتب بیشتر از نفس خرابکاری است (Emerson & Melfeld, 1948,p.50). واضعین این جرم از «خیانت» به عنوان خطرناک ترین و



شدیدترین جرم علیه امنیت کشور یاد نموده اند (Norwood, 2002, p.845). ماده ۳ بخش ۳ «قانون اساسی» این کشور، دو عنصر جداگانه را برای خیانت لازم می دانند که عبارتند از:

ب) تحمیل جنگ بر علیه آمریکا

برای تحمیل جنگ، مباشران، باید «تابعیت» آمریکائی داشته باشند (Snyder, 2021, p.3). معروفترین محاکمه مربوط به خیانت در جنگ جهانی اول بر اساس «تابعیت»، محاکمه راجرکسیمنت بریتانیایی بود. راجرکسیمنت سربازان بریتانیا را که در آلمان اسیر بودند، متقاعد می کرد تا به آلمان به پیوندند. در سال ۱۹۱۶ میلادی با یک قایق آلمانی، سلاح و مهمات را به جمهوری ایرلند حمل نمود تا در جنگ بر علیه بریتانیا مورد استفاده قرار دهند. راجرکسیمنت به علت همین اقدامات به خیانت محکوم و سرانجام به دار مجازات آویخته شد (Eichensehr, 2009, p.1452). اصل تابعیت نشان می دهد که در آمریکا، خیانت به کشور تنها از طریق اشخاص حقیقی قابل ارتکاب است، در حالی که در دنیای پرتلاطم کنونی، ارتکاب خیانت به کشور توسط اشخاص حقوقی، بدور از انتظار نیست.

ج) تبعیت از دشمنان، مساعدت به آنان

لازمه «تبعیت» از دشمن، بر احساس درونی «مرتکب» معطوف است (Fletcher, 1982, p.201). فردی که به دشمن پیوسته و قصد کمک به دشمن ندارد، متهم به خیانت نخواهد بود، مگر اینکه حاکمیت ثابت کند، که او به دشمن کمک کرده، و در نتیجه آن، به آمریکا آسیب وارد شده است (Norwood, 2002, p.847). بنابراین چنین مستفاد می شود، خیانت در آمریکا جرم مقید به «نتیجه» بوده و صرف قصد مساعدت به دشمن، بدون آسیب بر امنیت ملی آمریکا، خیانت محسوب نمی شود. هیچ فردی به جرم خیانت محکوم نخواهد شد، مگر با شهادت دو نفر شاهد، که اعمال فوق الذکر را بالعين مشاهده کنند یا اینکه مرتکب در دادگاه علنی، به جرم خیانت اقرار نماید. این فراز که در زمره ادله اثبات کیفری و از مباحث شکلی می باشد، در قانون اساسی فدرال آمریکا متجلی شده است (Snayder, 2021, p.35) کرامر تبعه آلمان، در سال ۱۹۲۵ به آمریکا مهاجرت و در سال ۱۹۳۶ موفق به دریافت تابعیت شد و با ورنر تیل رابطه دوستی گذاشت (Crane, 2009, p.640). در ژوئن ۱۹۴۲، کرامر یادداشتی بدون امضا، درآپارتمان خود واقع در نیویورک با این مضمون «که به اطلاعات ایستگاه گرند سنترال رفته و با فرانتس ملاقات کند، یافت». کرامر هنگامی که به محل مورد نظر رسید، از دیدن دوست قدیمی خود «تیل» شگفت زده شد. مأموران اداره تحقیقات فدرال دو فقره ملاقات تیل را با کرامر مشاهده نمودند. اندکی پس از آن کرامر به اتهام «خیانت» به آمریکا دستگیر شد. برای اینکه در سال ۱۹۴۲ هفت تن از سربازان آلمانی با زیردریایی وبصورت مخفیانه در



سواحل شرقی امریکا فرود آمدند و قصد داشتند تاسیسات صنعتی جنگ محور امریکا را تخریب کنند (Crane, 2009, p.641). کرامر به علت پناه دادن به خرابکاران آلمان به اتهام خیانت مورد تعقیب قرار گرفت. ولی وی دفاع نمود، که او از نقشه نهائی تیل برای نابودی تاسیسات مزبور آگاه نبود و ملاقات او با دوست قدیمی اش چیزی بیش از رابطه دوستی نبوده است، بنابراین وی قصد خیانت به امریکا نداشت (Crane, 2009, p.642). همچنین استدلال نمود که، اسناد ارائه شده به هیات منصفه از منظر «قانون اساسی فدرال» برای اتهام خیانت کفایت نمی کند. قاضی پرونده، هنری گوددارد، اعمال ارتكابی توسط کرامر را با مکانیزم مقرر در «قانون اساسی» منطبق دانست و وی را به تحمل ۴۵ سال حبس و پرداخت ده هزار دلار جزای نقدی محکوم نمود. اما قاضی گوددارد، از صدور حکم اعدام خودداری نمود، برای اینکه از نظر او، کرامر از اهداف خرابکارانه تیل و همراهان وی آگاهی نداشت (Crane, 2009, p.643). متعاقب این محکومیت، دیوان عالی امریکا با اکثریت قاطع، محکومیت کرامر به خیانت را نقض نمود. قضات ارشد، هارلان فیسک، استون و هفت تن از مستشاران، اوون رابرت، هوگو بلک، ویلیام داگلاس، فلیکس فرانکفورت، رابرت جکسون، فرانک مورفی، معتقد به نقض رای بودند، فقط قاضی استیلی محکومیت کرامر به خیانت را تایید نمود (Crane, 2009, p.645). اگرچه دیوان عالی حکم محکومیت کرامر را نقض نمود اما او را آزاد نکرد و کرامر به علت اقرار به تجارت با دشمن امریکا به شش سال زندان محکوم گردید (Crane, 2009, p.653). صرف نظر از دفاع کرامر، به نظر می رسد آنچه موجب نقض حکم در دیوان عالی شده است، عدم احراز عنصر روانی (معنوی) جرم خیانت بوده است، برای این که، علی الظاهر کرامر نسبت به قصد خرابکارانه هفت تن از سربازان آلمانی علم و آگاهی نداشته است.

وجود سه عنصر برای محکومیت به خیانت، باید اثبات شود؛ «وفاداری»، «رفتار آشکار»؛ «قصد خیانت» (Snayder, 2021, p.3) مقوله تابعیت مبرهن است و آن پیوند سیاسی و حقوقی بین اشخاص و کشوری معین است. رفتار آشکار در قالب رکن مادی متجلی می شود (Snayder, 2021, p.4). عنصر سوم «قصد» است، در موارد مربوط به تحمیل جنگ، قصد خیانت به همراه نقشه سرنگونی دولت یا «قصد» توقف قانون، با توسل به زور و خشونت باید اثبات شود. به عنوان مثال، برنامه ریزی برای حمله به کنگره، به علت یک قانون ناخواسته و بر خلاف تمایل تعدادی از اتباع امریکائی، قصد خیانت را اثبات می کند. (Snayder, 2021, p.4). از نظر اسنایدر در دو مورد اخیر الذکر، قصد خیانت در خود رفتار مستتر است و نیازی به احراز آن نیست. به عبارت دیگر، تجلی عنصر مادی جرم، متضمن عنصر روانی است. اعمال مساعدت به اشکال مختلفی صورت می گیرد، که عبارتند از: سخنرانی، پناه دادن، نگاهداشتن، جمع آوری اطلاعات، تأمین



مسکن برای دشمن، اگر تامین کننده مسکن هیچ گونه اطلاعی از دشمنی طرف مقابل نداشته باشد، خیانت نیست. برای این که قصد مجرمانه در این مثال منتفی است (snayder, 2021,p.5). در قرن بیستم، تعداد انگشت شماری از محاکمات حسب تبعیت از دشمن، به خیانت مربوط می شد و از سال ۱۹۵۴ تا ۲۰۰۶ میلادی، هیچگونه پیگرد قانونی در مورد خیانت به امریکا وجود نداشت (Carlton & Larson, 2006,p.900). ویلسون، قیام به منظور بازکردن زندانها، اخراج خارجی ها به صورت جمعی و هکذا تلاش برای تغییر قوانین، یا بی اثر نمودن آن را، از مصادیق عینی جنگ بر علیه امریکا محسوب نموده و خاطر نشان می کند که تشخیص مرز خیانت و شورش امری مطلوب، ولی دشوار است (Carlton & Larson, 2006,p.903). قانون نوادا در سال ۱۹۱۱ میلادی به صراحت، تحمیل جنگ را خیانت توصیف نمود. به نظر می رسد که این تعریف، تنها تعریف قانونی از تحمیل جنگ در سیستم قضایی امریکا باشد. به موجب این قانون؛ هنگامی که افراد به قصد ممانعت و با توسل به زور و تهدید از اجرای قانون ایالت جلوگیری کنند؛ یا ایالت را به لغو آن مجبور نمایند؛ به تحمیل جنگ متهم خواهند شد (Carlton & Larson, 2006,p.912). این تعریف با منطوق قانون اساسی فدرال امریکا همخوانی ندارد، برای این که جنگ می بایستی از جانب یک کشور صورت پذیرد. در امریکا، تمامی ایالت ها به غیر از «جورجیا» از توصیه کنگره آمریکا مبنی بر تصویب قانون خیانت پیروی کردند. الگوی ارائه شده برای خیانت؛ توسط کنگره؛ به «اساسنامه ۲۵ ادوارد سوم» نزدیک بود؛ با این تفاوت که، مصادیق خیانت؛ از هفت قسمت در «قانون ۲۵ ادوارد سوم» به دو قسمت تقلیل یافت؛ که همان تحمیل «جنگ»، «تبعیت» از دشمنان امریکا؛ و مساعدت به آنها بود. در تلاش برای محدود کردن مصادیق خیانت به کشور، تدوین کنندگان پیش نویس «قانون خیانت» متوجه شدند که، قانون خیانت به صورت خطرناکی گسترش یافته است. به طوری که صرف بیان یک عقیده سیاسی مخالف، خیانت تلقی می شد (McConike, 2013,p.286). نمایندگان با مذاکرات متعدد در ۲۰ اوت ۱۷۸۷ میلادی خیانت را محدود کردند (McConike, 2013,p.288). موضوع تصویب «قانون خیانت»، در ایالت های مختلف امریکا مورد بحث قرار گرفت و معایب و مزایای آن احصاء گردید، که از جمله این معایب می توان به، امکان دوباره تحت تعقیب قرار گرفتن مرتکب خیانت هم در امریکا و هم در ایالات اشاره نمود (McConike, 2013, 291). با لحاظ ارکان تشکیل دهنده جرم خیانت به کشور در نظام حقوقی امریکا، ارتکاب این جرم از طریق ترک فعل امکان پذیر نیست، مگر اینکه مرتکب از دولتمردان تراز اول این کشور بوده و با عدم انجام وظایف قانونی خود یا اهمال در انجام آن، موجب تحمیل جنگ به این کشور گردد. هر چند در عمدی بودن جرم خیانت به کشور تردیدی نیست ولی بنظر می رسد خیانت به



کشور در اثر تقصیر جزائی نیز قابل ارتکاب است. برای اینکه هر گونه بی احتیاطی و بی مبالاتی در انجام تکالیف قانونی توسط دولتمردان امریکائی، در مقیاس ملی و بین المللی می تواند موجب برانگیختن جنگ بر علیه امریکا گردد.

قوانین خیانت در ایالات مختلف امریکا

پس از تصویب «قانون اساسی»، ایالتها به روش های مختلف به تعریف خیانت پرداختند و تا سال ۱۸۰۰ میلادی از سیزده ایالت آن زمان، تنها پنج ایالت (نیوهامپشایر، ویرجینیا، نیوجرسی، ماساچوست و دلاور)، قوانین جدیدی را وضع کردند، که متضمن تعریف خیانت بود (McConike, 2013, p.292).
291, p.292 هاوایی تنها ایالت امریکاست که در «قانون اساسی» و سایر قوانین موضوعه، خیانت را تعریف نکرده است. اکثر ایالت ها از تعریف جرم در سیستم فدرال آمریکا، پیروی کرده اند. سی و چهار ایالت از پنجاه ایالت، مفاد «قانون اساسی فدرال» در مورد خیانت را وارد «قانون اساسی» خود نموده اند، که تقریباً کلمه به کلمه آن از «قانون اساسی فدرال» اقتباس شده است (McConike, 2013, p.293).

مصادیق خیانت، در ایالت های متعدد این کشور عبارتند از: ۱- تحمیل جنگ برای ایالات ۲- تبعیت از دشمن و مساعدت به آنها (McConike, 2013, p.294). با وجود این تقلید، باز هم انحرافات صورت گرفت که غم انگیزترین آن، «قانون خیانت» ۱۸۰۵ در کارولینای جنوبی بود. به موجب این قانون مشاوره دادن، تشویق کردن، مساعدت به یا بردگانی که در حالت شورش قرار بگیرند، پناه دادن و یا محافظت از بردگانی که برای هدفی، گرد هم می آیند و قصد شورش دارند، خیانت تلقی شده و مجازات آن اعدام بود (McConike, 2013, p.294). به رغم تفاوت های، همپوشانی تعاریف چهل ایالت از موضوع خیانت، همانا «تحمیل جنگ» به ایالات و «مساعدت» به دشمن است. (McConike, 2013, p.296). «قانون اساسی» جورجیا «قیام علیه ایالت»، کمک به دشمنان آن را، خیانت محسوب نموده است، در حالی که «تحمیل جنگ» مقوله ای متفاوت از «قیام» می باشد.

«قانون اساسی» ایندیانا مساعدت به دشمنان را خیانت می داند. برخی از ایالتها عنصر «روانی» را اضافه نموده و تحمیل جنگ «عالمانه» و از روی «قصد» را خیانت تلقی کرده اند. (McConike, 2013, p.296).
در ایالت ویرجینیا علاوه بر دو مورد اخیر الذکر، ایجاد یک دولت جداگانه در قلمرو قانونی ایالت، تصدی هر مقامی در آن، یا مقاومت در برابر قوانین ایالت نیز خیانت تلقی شده است. تعریف ایالت لوئیزیانا از خیانت، شامل «تحمیل جنگ علیه امریکا» و «پای بندی به دشمنان» این کشور است. درحالی که خود این ایالت، فاقد صلاحیت و اختیارات قضایی در رسیدگی به جرم خیانت علیه امریکاست (McConike, 2013, p. 296).



297). در ایالت «ورمونت»، «توطئه» برای تحمیل جنگ، در زمره خیانت می باشد در حالی که ایالت «مینه سوتا» «توطئه» برای تحمیل جنگ را از تعریف خود مستثنی کرده است. شش ایالت دیگر (ماریلند، نیوهمپشایر، نیویورک، اوهایو، پنسیلوانیا و تنسی) در مقطعی از زمان دارای «قانون خیانت» بودند، اما بعداً آن را بدون ذکر علت، نسخ کردند. (McConike, 2013, p.297). احتمالاً علت این نسخ، بعید بودن ارتکاب جرم خیانت، از نظر متولیان قانونی بوده است. ایالت مریلند «قانون خیانت» را به منظور جلوگیری از تورم قوانین کیفری منسوخ نمود (McConike, 2013, p.298). حال که تحت تاثیر جریانات ناشی از تروریسم بین الملل و جنگهای نیابتی، جامعه امریکا به هر رفتاری از نگاه توطئه می نگرد و با حساسیت بیشتر، مظنونان به جرائم را مورد تعقیب و مجازات قرار می دهد، اعاده قانون خیانت در این ایالتها بعید بنظر نمی رسد. از چهل و سه ایالات امریکا که مقوله «خیانت» را تعریف کرده اند، بیست و یک ایالت، تعاریف خود از خیانت را، در چارچوب قانون اساسی امریکا انجام داده اند. شانزده ایالت، تعاریف مربوطه را، حسب تطبیق با مفاد قانون اساسی و قوانین جزایی ماهوی انجام داده اند و شش ایالت دیگر خیانت را صرفاً بر اساس قوانین موضوعه خود توصیف کرده اند (McConike, 2013, p.298). امریکائی ها معتقدند که حاکمیت ایالت ها متعلق به مردم بوده (McConike, 2013, p.322) و پروفیسور هرست هرگونه اقدام خشونت آمیز برای محروم کردن یک ایالت از حکومت جمهوری را در حد تحمیل جنگ علیه امریکا می داند (McConike, 2013, p.321). همانطوری که پیرامون مصادیق خیانت به کشور در بین کشورهای مبتنی بر نظام حقوقی کامن لا، تفاوتی وجود دارد، این تفاوت در بین ایالات مختلف امریکا نیز بوضوح دیده می شود، لکن در آن دسته از کشورهایی که دارای نظام حقوقی کامن لا بوده و ساختار سیاسی آن مثل کانادا، نیوزیلند و استرالیا، پادشاهی می باشد علاوه بر کشور، جنایت بر علیه پادشاه نیز خیانت تلقی شده است (https://en. Wikipedia.org).

پی.پل.وی.لینچ و ایکس پارت کواریر معتقدند که دادگاه های ایالات، فاقد صلاحیت قضایی برای رسیدگی به اتهامات مربوط به خیانت به امریکا هستند. در سیستم فدرال امریکا، ایالتها بر تمام موضوعات کیفری خود احاطه و اقتدار دارند، به جز مواردی که به موجب «قانون اساسی فدرال» به دولت امریکا محول شده است (McConike, 2013, p.328). سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است که، آیا تحمیل جنگ بر علیه یک ایالت، به منزله خیانت به امریکاست؟ یا این که صرفاً خیانت، به خود آن ایالت می باشد؟ و یا این که هر دو را در بر می گیرد؟ اگر این فرض را بپذیریم که، تحمیل جنگ علیه یک ایالت، به منزله خیانت بر علیه تمامی ایالتهاست، یا اینکه تضمین مقرر در «قانون اساسی فدرال» امریکا که به موجب آن، در صورت



وقوع خیانت در یک ایالت، دولت فدرال، ملزم به کمک به آن ایالت می باشد، در این صورت تحمیل جنگ علیه هر یک از ایالتها به منزله خیانت به آمریکاست. در این صورت، جرم خیانت، با دو حاکمیت، مواجه خواهد شد، یکی حاکمیت هر یک از ایالتها و دیگری حاکمیت فدرال. هرچند دولت فدرال، شایستگی و صلاحیت مجازات خائن را دارد، ولی این امر به معنای انکار و نفی صلاحیت ایالت ها، در رسیدگی به خیانت نیست. (McConike, 2013,p.328). تردیدی نیست رسیدگی و صدور حکم مجازات توسط دولت فدرال امریکا، کفایت می کند، در غیر این صورت، یعنی رسیدگی و صدور حکم مجازات همان مرتکب، در دادگاههای ایالتها، با اصل «منع محاکمه مجدد» و «منع مجازات مضاعف» مغایرت خواهد داشت و مرتکب به علت مبادرت به یک رفتار خلاف قانون، دو بار مجازات خواهد شد، که با روح عدل و انصاف سازگار نیست. از منظر «قانون اساسی» آمریکا، دشمن به یک قدرت خارجی متخاصم اطلاق می شود که هیچگونه وفاداری به امریکا نداشته و در مقام خصومت علنی است. بنابراین؛ شورشیان که درصدد قیام علیه دولت یا کشور آمریکا نیستند؛ دشمن محسوب نمی شوند (McConike, 2013,p.329). در این صورت، ایالت ها با استناد به تعریف مذکور، قدرت محافظت از خود، در برابر رفتار خائنانه شهروندان را دارند، و در عین حال قادر هستند خیانت و مجازات آن را تعریف و توصیف کنند. اما علی الظاهر صلاحیت تعریف «دشمن» را ندارند (McConike, 2013,p.329). برای این که، هر چند رفتار خائنانه، از جانب شهروندان محتمل است، لکن اتباع هر یک از ایالتها با لحاظ تعریف اخیر الذکر «دشمن» محسوب نمی شوند. بنابراین، می توان استدلال کرد، زمانی که آمریکا با یک قدرت خارجی بجنگد، آن قدرت خارجی، دشمن هر یک از ایالات نیز محسوب می شود. همان طوری که ایالت ها توان تعریف خیانت را دارند، پس می توانند دشمن را در چارچوب قانون اساسی خود توصیف کنند (McConike, 2013,p.331). از آنجائیکه دشمن همانا یک کشور خارجی است، لذا تعاریف ایالتها از دشمن نمی تواند تعاریفی متعارف و مبتنی بر قانون اساسی فدرال امریکا باشد. بنابراین ایالتها ناگزیرند تعریفی که قانون اساسی فدرال امریکا از «دشمن» نموده است را مستمسک خود قرار دهند.

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تاثیر آن بر مقوله خیانت در امریکا

پس از جنگ جهانی دوم، استدلال می کردند که خیانت، دیگر مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت، زیرا با آزادی، منافات دارد. از طرفی دیگر، دموکراسی های مدرن غربی، امن بوده و مفهوم وفاداری به کشور، نسخ شده است (Eichenser, 2009,p.1443). پس از انبوهی از محاکمه های مربوط به خیانت در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی، آمریکا، بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۲۰۰۶ حتی یک نفر را به خیانت متهم



نکرد (Crane, 2009, p.675). اما پیدایش تروریسم، محققین را وادار نموده است، تا در بخش مربوط به خیانت تجدید نظر کنند (Snayder, 2021, p.23). در برقراری مجدد موضوع خیانت در آمریکا، برخی از نویسندگان پیشنهاد داده اند که، سازمانهای تروریستی خارجی، باید دشمن تلقی شوند (Snayder, 2021, p.26). حقوقدانان امریکائی ضمن باز خوانی خیانت، بار دیگر آنرا احیاء نموده و وارد قرن بیست و یکم کرده اند (Snayder, 2021, p.35).

کارشناسان حقوقی، در مورد جنگ علیه «تروریسم» مباحثی را مطرح کرده‌اند، که در جزئیات متفاوت، اما به دلیل طرح گسترده موضوع، دیدگاه نظریه پردازان را می توان، به دو «دیدگاه لیبرال» و یا «محافظه کار» تقسیم نمود (Carelton & Larson, 2006, p.863). لیبرالها معتقدند که مبارزه با سازمانهای خصوصی و پنهان، مثل «القاعده» که می‌تواند با آمریکا بجنگد، یک جنگ واقعی نیست. (Carelton & Larson, 2006, p.863-864). تروریسم به عنوان یک معضل «خیانت معمولی» محسوب می‌شود (Carelton & Larson, 2006, p.864). در مقابل محافظه‌کاران مدعی هستند که حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ جنگ واقعی بود و پاسخ نظامی تمام عیار را می‌طلبد. تروریست‌ها، نیروهای یک «دشمن بزرگ و منظم» هستند که برای نابودی آمریکا، از هیچ گونه اقدامی دریغ نمی‌کنند. این افراد ممکن است به عنوان «نیروهای دشمن» برای مدتی تحت نظر قرار گیرند یا توسط دادگاههای نظامی مورد محاکمه واقع شوند (Carelton & Larson, 2006, p.864). این دو دیدگاه از منظر «قانون اساسی آمریکا» توجیه پذیر نیستند. هر دو بینش، بخش مهمی از «قانون اساسی» را نادیده گرفته‌اند. بحثی که می‌تواند در مورد «نیروهای دشمن» و مسائل مربوط به «تروریسم» راهگشا باشد، مبحث مربوط به خیانت در «قانون اساسی» است (Carelton & Larson, 2006, p.865). این مبحث با اوصافی که دارد، دیدگاه‌های لیبرال و محافظه کار را پیچیده می‌کند. اولاً دیدگاه نظریه پردازان لیبرال، مبنی بر این که، بازداشت «مظنونان تروریستی» به عنوان «جنگجویان دشمن»، با این استدلال که، در چارچوب یک «جنگ واقعی» قرار نمی‌گیرد، توجیه پذیر نیست (Carelton & Larson, 2006, p.864). ثانیاً جنگ سازمانهای تروریستی مثل «القاعده» بر علیه آمریکا را که جنگ به معنای واقعی کلمه تلقی نموده و معتقد است، فقط کشورها می‌توانند علیه آمریکا وارد جنگ شوند، درست نمی‌باشد، برای این که بند خیانت، در «قانون اساسی آمریکا»، تحمیل جنگ بر علیه آمریکا، توسط اشخاص حقیقی را قابل ارتکاب می‌داند (Carelton & Larson, 2006, p. 865).

واقعیت این است که، امروز به علت تکوین سازمان‌های تروریستی مثل القاعده، قوانین مربوط به خیانت در آمریکا برجسته شده‌اند. گادان که یک تبعه آمریکایی بود، به علت پیوستن و کمک به دشمنان آمریکا



(القاعده)، به خیانت به آمریکا متهم شد (Eichensehr, 2009,p.1459). این اتهام بر اساس مشاهده آدام گادان در چندین نوار ویدیویی منتشر شده، توسط القاعده بین اکتبر ۲۰۰۴ تا سپتامبر ۲۰۰۶ صورت گرفت. در این نوار ویدیویی، او در معیت رهبران القاعده، اسامه بن لادن و ایمن الظواهری دیده شد و ضمن حمایت از سازمان تروریستی القاعده و حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا را به حملات بعدی، تهدید نمود (Crane, 2009,p.636). وی در ژانویه سال ۲۰۰۸ میلادی پاسپورت آمریکائی را که متعلق به خودش بود، پاره کرد و خواستار حمله به جرج بوش در جریان سفر به منطقه خاورمیانه شد (Eichensehr, 2009,p.1459). در کنفرانس مطبوعاتی اعلام کیفرخواست گادان، پل مک نالتی معاون دادستان کل آمریکا اظهار داشت: که کیفرخواست امروز، باید تداعی کننده این نکته باشد که، آمریکا از خود، در برابر همه دشمنان اعم از خارجی و داخلی محافظت خواهد نمود (Eichensehr, 2009,p.1489). در کیفرخواست آدام گادان آمده بود که او به عنوان یک شهروند آمریکایی، آگاهانه و به قصد خیانت، به دشمن آمریکا، یعنی القاعده پیوسته، و در قلمرو آمریکا و جاهای دیگر به القاعده کمک کرده است (Crane, 2009,p.636). مورد دیگر، مربوط به برابانت نیل ویناس می باشد، او برای پیوستن به طالبان، به افغانستان رفت تا با آمریکائی ها بجنگد. برابانت اقرار نمود، که در دو حمله به تاسیسات نظامی آمریکا، شرکت کرده است. او به نیروی نظامی دشمن ملحق شد و به سبک نظامی و عامدانه، در عملیات نظامی علیه پایگاه نظامی آمریکا شرکت کرد. بنابراین با لحاظ شرایط فوق، می بایستی به خیانت متهم می شد، لکن به خیانت متهم نگردید، و به «توطئه» در جهت قتل اتباع آمریکائی و حمایت از القاعده متهم شد (Simpson, 2018,p.44).

برخی از نویسندگان معتقدند که، اتفاقات گذشته، به خصوص حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نشان می دهد که تهدید افراط گرایان مذهبی علیه آمریکا واقعی است. اکثر آمریکایی ها بر این باورند، حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ از عقاید مذهبی ناشی شده و مرکزیت آن دین اسلام است. اغلب آمریکایی ها بر این باورند که، دین اسلام، با ارزش ها و اصول لیبرال-دموکراتیک ناسازگار بوده و تهدیدی جدی برای منافع حیاتی غرب است. به طوری که محاکمه و محکومیت شیخ احمد رحمان به اتهام توطئه، موید و متضمن این معنی است (Gohan, 2003,p.200). شیخ رحمان، ایالات متحده آمریکا را به علت کمک به اسرائیل، ستمگر اصلی مسلمانان دانست و تشکیل ارتش جهادی متشکل از گردان های کوچک را به منظور مبارزه با ستمگران ضروری دانست. (alan gohan, 2003,p.220). اعضاء گروه منتسب به او، در نوامبر سال ۱۹۹۰، با الهام از بیانات آتشین وی، مایر کاهان را، در نیویورک، که در حال سخنرانی بود ترور کردند. این گروه قصد منفجر کردن مقرر سازمان ملل متحد و تخریب تونل های لینکن و هلند، پل جورج



واشنگتن و ترور رئیس جمهور سابق مصر «حسنى مبارك» به هنگام سفر به امریکا داشتند، که همگی خستی شدند. شیخ احمد رحمان، علیرغم اینکه در عملیات اجرایی فتنه و حتی مقدمات آن، نقشی نداشت، باز هم محکوم شد، که دلیل محکومیت او، مضامین خطبه های مذهبی او بود. از نظر دکترین و مقامات قضائی امریکا، او پیروانش را به جهاد خشونت آمیز بر علیه امریکا تحریک و بدین طریق، امنیت این کشور را به خطر می انداخت (alan Gohan, 2003,p.205) و این اقدامات، خصومت شیخ عبدالرحمان را نسبت به آمریکا و قصد او در تدارک حملات غیر قانونی بر علیه این کشور نشان می داد (alan gohan, 2003,p.221).

خیانت در گفتمان سیاسی امریکا

انگیزه های مربوط به خیانت چندان واضح نبوده و اغلب ذهنی هستند (Tracy, 2019,p.1). خیانت در «گفتمان سیاسی» کنونی به یک امر رایج تبدیل شده است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، هیلاری کلینتون مدعی شد، که رقیب او ترامپ در معاملاتش با کشور روسیه و در جهت حفظ منافع شخصی، مرتکب خیانت شده است. سرانجام، ترامپ، اکثریت کارتهای الکترال را به دست آورد و با رد اتهامات خیانت، به هیلاری کلینتون پاسخ داد (Tracy, 2019,p.2). پس از برنده شدن «بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰، ترامپ با ادعاهای بدون پشتوانه، مبنی بر تقلب گسترده در انتخابات سال ۲۰۲۰، اظهار داشت، کنشگران دولتی باید نتایج انتخابات رد کنند. وی خطاب به حامیان خود اظهار داشت، «قدرت نشان دهید» و «آمریکا را پس بگیرید». متعاقب این امر، گروهی از هواداران او در ۶ ژانویه ۲۰۲۱، در واشنگتن به کنگره یورش بردند (www.politico.com.dey). علت استفاده مکرر دولتمردان امریکائی از خیانت، از طبیعت عامه پسند آن، نشات می گیرد. از سوی دیگر، خیانت در امریکا، انگ مجرمانه عجیبی دارد (Eichensehr, 2009,p.1498)، و به همین خاطر است که رقبای سیاسی خاصه در مواقع شکست انتخاباتی آن را کرازاً استعمال می کنند. به طوری که هر گونه صحبت در مورد «خیانت» در دوره ریاست جمهوری ترامپ زیادتر شد و از آن به عنوان «افسانه سیاسی» استفاده گردید (Broughton, 2020,p.308). برخی از حقوقدانان امریکائی، بر این باور بودند، افرادی که به کنگره تجاوز کرده اند، به اتهام توطئه فتنه انگیز باید محاکمه شوند. برخی معتقد بودند اقدام ترامپ در تحریک آگاهانه حامیان خود برای «حمله»، یک تقصیر اخلاقی است و پیگرد قانونی او، به اتهام «فتنه گری» با چالش مواجه خواهد بود (www.politico.com.dey). برخی از حقوقدانان امریکائی معتقد بودند که تحریک جنگ علیه امریکا با توسل به شورش نیز، خیانت است، اما اثبات این نکته که، ترامپ مرتکب خیانت شده است بسی متعذر



خواهد بود (Carbak, 2021,p.3). علیرغم دیدگاههای متفاوت، مجلس نمایندگان آمریکا، استیضاح رئیس جمهور را به اتهام «تحریک به شورش» تصویب نمود، نه خیانت (<https://www.aa.com.tr/fa/>). هر چند امریکائی ها بر این باورند که، پیگیری اثبات حق، نباید به کینه توزی منجر شود و پیگرد قانونی می بایستی راهی برای التیام زخم‌های سیاسی باشد نه تشدید آن (Carbak, 2021,p.3). ولی هنگامی که تهدیدی را احساس کنند، خیانت را مورد تعقیب قرار می دهند (Eichensehr, 2009,p.1443). گفت و گو ها در مورد خیانت، ضمن اینکه موجب پویائی آن شده است، لیکن استفاده سیاسی موجب تنزل جایگاه خیانت شده است (Broughton, 2020,p.335). برخی از حقوقدانان امریکائی حفظ آزادی سیاسی، حق داشتن عقاید متفاوت، و ابراز آن را، با الزامات «وفاداری» و «میهن پرستی» و همچنین «امنیت ملی» ناسازگار می دانند و برای توجیه تعلیق حقوق و آزادی های مردمی، از خطراتی چون بیگانه، نفوذ، براندازی و جاسوسی استفاده می کنند (Emerson & Melfeld, 1948,p.1). آنان معتقدند که بسیاری از «اعمال تروریستی» را می توان تحت عنوان «خیانت» مجازات کرد، تا جائی که پرواز یک هواپیمای تجاری به بر فراز پنتاگون را مصداق «تحمیل جنگ» بر علیه آمریکا می دانند (Carelton & Larson, 2006,p.869). همچنین شاخه های سیاسی عاملان حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ را دشمنان عمومی آمریکا تلقی می نمایند (CareLton & Larson, 2006,p. 923). این نگرش ضمن این که با منطوق قانون اساسی فدرال آمریکا در تعارض است، از سیاست کیفری «امنیت گرا» در آمریکا ناشی شده و در آن مولفه های سیاسی بیش از مولفه های حقوقی دخیل بوده است. خیانت در آمریکا باید متکی به ادله متقن بوده و هر گونه صحبت در مورد آن، به ویژه در میان رهبران سیاسی، باید با منطوق «قانون اساسی فدرال آمریکا» مطابقت داشته باشد. «گفتمان عمومی» در مورد «وفاداری ملی» و «خیانت» می تواند برای ارتقاء امنیت ملی موثر باشد، ولی این گفتمان زمانی کارآمد خواهد بود که از «قانون اساسی آمریکا» ناشی شده باشد (Broughton, 2020,p.336). علیرغم طرح این ادعا و فارغ از منطوق صریح «قانون اساسی آمریکا» تناقض آشکاری در دکرین حقوقی آمریکا وجود دارد، برای اینکه اقدام ترامپ در تحریک آگاهانه حامیان خود برای «حمله» را یک تقصیر اخلاقی دانسته و النهایه مجلس نمایندگان آمریکا، استیضاح رئیس جمهور را به اتهام «تحریک به شورش» تصویب نمود، نه خیانت. در حالی که صرف اظهارات شیخ احمد رحمان را بدون آنکه کوچکترین رفتاری مادی به مباشرت وی صورت گرفته باشد، توطئه محسوب نموده و حکم به مجازات او صادر می کنند. بنابراین بنظر می رسد که در نظام حقوقی آمریکا، بین افرادی که ذاتاً امریکائی تبار می باشند با بیگانگانی که تابعیت این کشور را کسب نموده و یا احیاناً پیرو دین اسلام می باشند، تبعیض جدی وجود



دارد و در امر تعقیب و محاکمه افراد متهم به خیانت، توطئه و شورش، نگرش سیاسی بر بینش حقوقی غلبه می نماید.

خیانت در نظام حقوقی کانادا

در نظام حقوقی کانادا و بر اساس بخش ۴۶ «قانون جزای» این کشور خیانت به کشور به دو نوع «خیانت» و «خیانت بزرگ» تقسیم شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۵: ۴۲). مصادیق «خیانت بزرگ» در حقوق جزای کانادا عبارتند از:

(a) شاهنشاه را به قتل رسانده یا برای قتل او اهتمام نماید یا آسیبی وارد کند که او را در معرض خطر موت قرار دهد یا مجروح یا محبوس و یا توقیف نماید.

(b) بر علیه کانادا جنگ بیفروزد و یا در این خصوص هرگونه اعمال مقدماتی را انجام دهد.

(c) به دشمنی که در حال جنگ با کانادا است یا به هر نیروی مسلحی که بر علیه این کشور باشد کمک و مساعدت نماید. در مقام ضدیت و دشمنی با کانادا برآید، خواه بین آن کشوری که در صدد ضدیت و دشمنی با کانادا است جنگی صورت بگیرد یا نگیرد ([https://en. Wikipedia.org](https://en.wikipedia.org)). مثال عینی در مورد کمک به دشمن در حال جنگ با کانادا دعوای لمپل علیه برگر بود. برگر تبعه مجارستان و ساکن آمریکا قطعه زمینی را در سال ۱۹۱۷ (در اثنای جنگ جهانی اول) به لمپل که تبعه کانادا بود فروخت. آن زمان مجارستان با کانادا در حال جنگ و لاکن آمریکا بی طرف بود. لمپل متوجه شد که برگر به طور منظم برای زن و فرزندان او که در مجارستان ساکن بودند پول می فرستد. هرچند دادگاه قرارداد بیع لمپل با برگر را صحیح تلقی نمود اما حکم داد که ثمن معامله تا پایان جنگ برای وی نزد دادگاه بماند، چون دادگاه ارسال پول توسط برگر را نوعی کمک به دشمن کانادا محسوب نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۳).

مصادیق خیانت به کشور در نظام حقوقی کانادا عبارتند از:

(a) از زور و فشار و خشونت به منظور براندازی دولت کانادا یا ایالات آن استفاده کند.

(b) بدون داشتن صلاحیت قانونی اطلاعات نظامی یا علمی یا یادداشت و یا هر گونه نقشه و طرحی را که می داند و ممکن است در زیان رساندن به امنیت و دفاع ملی کانادا مورد استفاده قرار گیرد در دسترس یکی از اتباع غیر کانادایی قرار دهد.

(c) توطئه و تبانی با هر شخصی برای ارتکاب خیانت بزرگ یا توطئه و تبانی در خصوص مواردی که در بند (a) ذکر شده است.



(d) انجام هر کاری به قصد خیانت بزرگ یا مبادرت به مواردی که در بند (a) ذکر شده است و قصد خود را با رفتار عینی آشکار نماید.

(e) توطئه و تبانی با هر شخصی جهت مبادرت به موارد ذکر شده در بند (b) یا هر رفتاری که متضمن قصد تبانی بوده باشد، و قصد خود را با رفتار عینی آشکار سازد (<https://en.Wikipedia.org>).

مجازات خیانت به کشور در نظام حقوقی کانادا چنانچه مشمول خیانت بزرگ باشد حبس ابد است، لکن مجازات مرتکبین به خیانت در مواردی حبس ابد و در برخی از موارد چهارده سال حبس است (<https://en.Wikipedia.org>). بند ۳ از بخش (ماده) ۴۶ تصریح کرده است که اتباع کانادا یا کسانی که به دلیل اقامت در آن کشور وظیفه وفاداری نسبت به دولت کانادا را برعهده دارند ممکن است این اعمال را حتی در خارج از آن کشور نیز انجام داده و مرتکب خیانت یا خیانت بزرگ شوند، ولی در داخل کشور هر فردی اعم از تبعه یا غیر تبعه می تواند مرتکب این جرائم شود (میر محمد صادقی، ۱۳۹۵: ۴۲).

بررسی تطبیقی خیانت به کشور در آموزه های فقهی و نظام حقوقی امریکا و کانادا
دامنه خیانت در «آموزه های فقهی» گسترده است تا جایی که خدعه و مکر افراد نسبت به یکدیگر خیانت نامیده شده است. در آموزه های فقهی انتقال اسرار خانه به دشمنان و هر گونه تعرض به جان افراد و صدمات جسمانی به ویژه خودکشی، جنایت و خیانت محسوب شده است و با لحاظ عنصر معنوی، حسب مورد، مستوجب قصاص نفس و یا عضو و در صورت عدم امکان اجرای قصاص، مستوجب دیه می باشد. ترک واجبات و مبادرت به محرّمات و خدعه و «عدم وفاداری» و نقض «عهد و پیمان» و مساعدت به کفار در جنگ، از دیگر مولفه ها و متغیرهای خیانت است. قرآن و آموزه های فقهی ضمن نهی خیانت و تقبیح آن، در مقابله با هر گونه خیانت، مصالح عالیّه امت انسانی و اسلامی را فارغ از مرزهای جغرافیائی مد نظر قرار می دهد. اما خیانت به کشور در امریکا و کانادا معنای مضیقّی داشته و رویکرد آن بدون توجه به مصالح انسانها، صرفاً حفظ منافع این کشور در برابر خطرات واقعی می باشد. تحمیل جنگ به کشور و کمک به دشمن از وجوه مشترک خیانت در نظام حقوقی امریکا و کانادا محسوب می شود با این تفاوت که در نظام حقوقی کانادا انجام هرگونه اعمال مقدماتی در راستای جنگ افروزی بر علیه کانادا نیز خیانت بزرگ قلمداد شده است. در نظام حقوقی امریکا دشمن یک قدرت خارجی است که به صورت علنی و آشکار در مقام خصومت و دشمنی با این کشور باشد (Nor Wood, 2002: 846). بنابراین با غور در ماهیت مصادیق معنونه در ذیل «خیانت بزرگ» در کشور کانادا تردیدی نیست که دشمن، هم شامل کشور در حال جنگ با این دو کشور بوده و هم دشمن بالقوه را نیز در بر می گیرد. در کانادا قتل شاهنشاه یا ایراد هرگونه جنایت بر



علیه تمامیت جسمانی وی حتی ایراد جرح و همچنین حبس و توقیف وی صرفنظر از قصد و انگیزه مرتکبان از مولفه های خیانت به شمار می آید، در حالی که در آمریکا مردم، رئیس جمهور را تجسم دولت یا هدف خود نمی دانند. هر چند ترور رئیس جمهور در آمریکا ممکن است بخشی از یک نقشه خرابکارانه باشد، اما زمانی که قصد کمک به دشمنان این کشور وجود نداشته باشد ترور به معنای خیانت نخواهد بود (Fletcher, 1982: p199). استفاده از زور و خشونت در جهت براندازی دولت کانادا و ایالت های آن، توطئه و تبانی برای ارتکاب خیانت بزرگ و قصد مجرمانه به شرطی که عینیت یافته و رکن مادی آن متجلی شود خیانت است، در حالی که در نظام حقوقی آمریکا استفاده از زور و خشونت بر علیه دولت خیانت و فتنه نامیده می شود (McConkie, 2013: 326). با این تفاوت که فتنه تحریک مردم به اقدامات غیرقانونی یا هرج و مرج علیه مقامات دولتی است (alan gohan, 2003: 207) در حالی که خیانت متضمن اعمال و اقدامات خشونت آمیز به صورت علنی و آشکار است (McConkie, 2013: 326). همچنین بر خلاف نظام حقوقی کانادا که در آن توطئه و تبانی برای ارتکاب خیانت بزرگ، خیانت قلمداد شده است لکن در حقوق کیفری آمریکا مستقلاً جرم انگاری شده است، یکی ماده ۱۸ ۲۸۶ U.S.C می باشد که تبانی برای کلاهبرداری از آمریکا از طریق تسلیم ادعاهای نادرست است و دیگری ماده ۱۸ ۳۷۱ U.S.C است که تبانی برای تخطی از قوانین ایالات متحده آمریکا را در بر می گیرد (حکیمی ها، جودکی، غنی، ۱۳۹۶: ۵۲). خیانت به کشور در آمریکا توسط افرادی که تابعیت امریکایی دارند قابل ارتکاب است. در کانادا خیانت به کشور در خارج از قلمرو این کشور توسط اتباع کانادایی قابلیت ارتکاب دارد ولی در داخل قلمرو این کشور، خیانت (خیانت و خیانت بزرگ) توسط هر فردی اعم از تبعه و غیر تبعه قابل ارتکاب است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۵: ۴۲).

نتیجه گیری:

خیانت از ادوار کهن، همواره چهره مذمومی داشته است و به همین علت تحت تاثیر «احکام امضائی» وارد دین اسلام شده است. خداوند در قرآن کریم، ضمن بر شمردن مصادیقی از «خیانت»، مقرر نموده است، خائنان نه تنها به مقاصد خود نائل نشده، بلکه در روز رستاخیز رسوا خواهند شد. خیانت در قرآن کریم و آموزه های فقهی عام الشمول بوده و به معنای «گناه» می باشد. به طوری که خیانت به خدا و رسول، خیانت به اموال مردم، نقض میثاق، هتک ناموس، که مفهوم دامنه داری دارد، موید این معنی است. خیانت در نظام حقوقی آمریکا و کانادا «نقض وفاداری» و یا نقض «رابطه تابعیت» می باشد. صرفنظر از اینکه طبق حقوق جزای کانادا جنایت بر تمامیت جسمانی پادشاه نیز خیانت بزرگ تلقی شده است، حقوقدانان امریکایی و کانادایی معنای «مضیق» خیانت به کشور را مطمح نظر قرار داده و به تبعیت از قوانین مربوطه آن را «تحمیل



جنگ به این کشور» و «تبعیت از دشمنان» می دانند. بعد از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، کارشناسان حقوقی در صدد بازخوانی خیانت بوده و همین امر موجب برداشتهای متفاوت از آن شده است، دیدگاه لیبرال، سازمان های تروریستی مثل «القاعده» را «دشمن» تلقی نکرده است، حال آن که دیدگاه محافظه کار، سازمان «القاعده» را علی رغم عدم بر خورداری از «وصف کشور»، «دشمن» محسوب نموده است. برخی از نویسندگان، معتقدند که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مصداق عینی «تحمیل جنگ» بر علیه امریکاست. برخی از کارشناسان، اقدامات ترامپ در تحریک حامیان خود به جنگ را «شورش» و النهایه خیانت تلقی کرده اند. در حالی که برخی دیگر معتقدند «تروریسم داخلی» باید جرم انگاری شود. بعضی از کارشناسان، جرم انگاری « تروریسم داخلی» را غیر ضروری دانسته و اظهار می نمایند که، فلسفه قوانین کیفری برای ارضاء هیجانانگیز حاکم نیست. بنابراین به نظر می رسد، علیرغم تجلی مبحث خیانت در «قانون اساسی فدرال» و تفسیر مضیق از آن، به علت عدم تعریفی مبرهن، از «خیانت» و «شورش» و «قیام» و «توطئه» و «فتنه» و فراتر از آن، همپوشانی که این جرائم با هم دارند، باب تفاسیر شخصی و سلیقه ای از مبحث «خیانت» در امریکا همچنان مفتوح بوده و استفاده سیاسی و ابزاری از آن در جامعه امریکا، خاصه در انتخابات ریاست جمهوری کماکان ادامه دارد. دیدگاه حقوقدانان امریکا و کانادا مبنی بر این که «خیانت به کشور» از منفورترین جرائم می باشد، در واقع باز خوانی تعبیر قرآن کریم با لسانی دیگر می باشد که در آن خیانت را «گناه» محسوب نموده است. این نکته به وضوح، بر تاثیر پذیری «نظام حقوقی کامن لا» از «آموزه های فقهی» در زمینه خیانت دلالت می نماید، بطوریکه تقدم زمانی نزدیک به هشتصد ساله قرآن کریم در «گناه» محسوب نمودن «خیانت» در مقایسه با جرم انگاری خیانت به کشور در نظام حقوقی کامن لا («قانون خیانت ۲۵ ادوارد سوم» در انگلستان مصوب ۱۳۵۱ میلادی) که منشاء قانون خیانت در نظام حقوقی امریکا و کاناداست متضمن این معنی است.

منابع فارسی:

قرآن کریم

اکبری، امیر، (۱۳۹۰)، «تاملی بر دلایل برخورد پیامبر(ص) با یهودیان مدینه»، پژوهش نامه تاریخ، سال

ششم، شماره ۲۳

بیژن، عباسی، (۱۳۹۳)، روش پژوهش در دانش حقوق، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول



- حکیمی ها، سعید، جودکی، بهزاد، غنی، کیوان، (۱۳۹۶)، «بررسی جرم تبانی در حقوق کیفری ایران و امریکا»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم
- رحیمی، مرتضی، (۱۳۹۲) «مفهوم و مصادیق خیانت از دیدگاه امام رضا»، سال اول، شماره چهارم، پرتال جامع علوم انسانی
- سروش، علیرضا، طیب حسینی، سید محمود، (۱۳۹۹)، «نقد و بررسی دلالت خبری بودن فعل بر احکام امضائی در آیات الاحکام، قرآن و فقه و حقوق اسلامی»، سال ششم، شماره ۱۲
- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۴)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ ۳۷
- علی بابائی، احمد، (۱۳۸۵)، برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران، انتشارات دارلکتب اسلامیه، چاپ اول
- علی بابائی، احمد، (۱۳۸۵)، برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۲، تهران، انتشارات دارلکتب اسلامیه، چاپ اول
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، یوسف قرآن، تهران، انتشارات سازمان نهضت سواد آموزی، چاپ اول، کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی، چاپ چهارم
- کریمی، محمد نعیم، (بی تا)، «خیانت در امانت از منظر قرآن، سنت و فقهی اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی خارنوال، سال بیست و نهم، شماره ۵۹
- معین، محمد، (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیستم
- میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۵)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ سی و چهارم،
- یزدی، علی محمد، هاشمی، سید علی، (۱۳۹۹)، «نقد شبه خیانت برخی پیامبران به خلق»، فصلنامه علمی-تخصصی قرآن و حدیث، سال دوم، شماره دوم
- وب سایتها
- fa.m.wikipedia.org
https://en. Wikipedia.org-
https://farhange sadid-
https://wikiahlolbait.com-
/https://www.aa.com.tr/fa-



RAFAEL@hsf treason in southern africa//hsf.org.za/publication/hsf —
briefs/https
www.maarefequran.com—
www.politico.com—

منابع انگلیسی:

- ALAN GOHAN (J) **sedition, the smith act, and prosecution of religious speech advocating the violent overthrow of government**, journal for civil rights and economic development, volum 17 issue 2 winter/spring 2003, article 2.
- CARBAK (j) **challenging riot and insurrections at the seat of government**, 2021. vol.49:1
- CARLTON (f). larson (w). **the forgotten constitutional law treason**.
- CRANE (p) **did the court kill the treason?** Reassessing cramer v. united states and its significance. journal articles faculty scholarship university of Chicago. law school.
- EMERSONE (t) MELFEID (d) **loyalty among government employees**, the yale law journal, volume 58, december 1948, number 1.
- EICHENSEHR (k) **treason in the age of terrorism: an explanation and evaluation of treasons return in democratic state**.
- FLETCHER (g). **The case for treason** .number 2 . volume 41 copyright maryland law Review, inc, 1982
- FLETCHER (g). **Ambivalence about treason**. columbia law school .gpfrecht@ gmail.com
- A study in comparative exterior treason criminal law** -HAZARD (j) and STERN (w)
- **Historical concept of treason: English, American** Indiana law journal ssue/ artical 4 a maurer school of law: Indiana univer sity, FALL /volume 35
Digital repository@maurer law..1959
- LEE (y) **punishing Disloyalty? :Treason Espionage,an The Transgression of Political Boundaries**
- TRACY (l) **the shameful business of betrayal and treason**



- SIMPSON (m) III. **Treason and Terror**: Atoxic Brew Rager wiuiams
unirersity schoop of law, simpsonnpT@ Verizon.
- NOR WOOD (R) **none dare call it treason : the constituionaliaty of the –
death penalty for peacetime espionag**. cornell law review volume 87 issue 3
.march 2002
- RICHARD (j) **broughton constitutional discourse and the rhetoric of
treason hastings constitutional law quarterly** ,volum 47 .number 2 .winter,
article 5
reforming the law of sedition, march 2007,wellington.newzealand –
report.99
- SNIDER (h) **Reviving The treason charge** . unirarstiy of cenTeral florida
2021.
- TAYLOR (j) McConkie.**state treason: the history and validity of treason,
against individual** state.kentucky law journal,volum107,issue 2 article 3, 2013
- The morality of treason**.accepted 13 may 2020..lawand -FABRE (C)
philosophy(2020)